

خبرها

شیرین و فرهاد در کرمانشاه

مجموعه تلویزیونی «شیرین و فرهاد» در ۱۳ قسمت آمادهٔ پخش می‌شود. «شیرین و فرهاد» که به موضوع اجتماعی ازدواج و اتفاقات آن می‌پردازد زندگی شخصی به نام فتحعلی را به تصویر می‌کشد که با این که ۴۰ سال از عمرش سپری شده هنوز مجرد است. این مرد دلیل ازدواج نکردنش را بی توجهی مادرش می‌داند و از این موضوع بسیار گله‌مند است. در آن سوی قصه، فرهاد وجود دارد که او نیز همانند فتحعلی هنوز تن به ازدواج نداده و البته برعکس فتحعلی مادرش سخت در تکا‌پو است تا او را از این وضعیت برهاند. تلاش مادر فرهاد و نیز راضی شدن مادر فتحعلی باعث می‌شود که این دو برای رسیدن به دختر مورد علاقه‌شان که اتفاقاً دختری به نام شیرین است وارد رقابتی سخت شوند. کارگردانی این مجموعه که در سیمای مرکز کرمانشاه ساخته شده بر عهده سیدسعید قاسمی است.

از تخت جمشید تا ونک

«از تخت جمشید تا ونک» به کارگردانی مازیار میری در گروه اجتماعی شبکه چهار سیما تولید می‌شود. این مستند در ۱۳ قسمت ۲۸ دقیقه‌ای تولید شده است و به «فرهنگ پوشش» می‌پردازد. این مستند سعی دارد علاوه بر تاثیر بر مخاطبان و آگاه کردن آنها نسبت به پوششی از سرمایه‌های فرهنگی، انگیزه‌های لازم جهت چاره‌اندیشی و برنامه‌ریزی برای آینده را در ذهن مخاطب و خصوصاً نخبگان و مدیران فرهنگی ایجاد کند. هر

و انیمیشن بهره‌برده است.

احمدجو و ناصرالدین شاه

ام‌الله احمدجو بعد از گذشت ۱۸ سال از ساخت تنها سینیمای‌اش «شاه‌های بید» هم‌چنان کار در تلویزیون را ادامه می‌دهد. وی در گفت‌وگو با خبرنگار سرویس تلویزیون ایسنا با بیان این‌که تعجبی ندارد که بین کارهایم فواصل زیادی ایجاد می‌شود، گفت : من بعد از «شاه‌های بید» هم سه سال طول کشید تا کار بعدی‌ام را شروع کردم با توجه به این‌که چند طرح تصویب شده سینمایی و تلویزیونی نیز داشتم. احمدجو در ادامه تصریح کرد : هشت سال هم طول کشید تا برای ساخت سریال دوم دعوت شدم که دو برابر و نیم فاصله قیل بود و اگر به طور طبیعی حساب کنیم بنابرین ۲۰ سال فرصت دارم تا کار بعدی‌ام را بسازم. این کارگردان از ساخت سریالی در تلویزیون خبر داد و گفت : صحبت‌های مقدّماتی انجام شده و احتمال دارد کاری را شروع کنم که این‌کار بر خلاف دو سریال قبلی‌ام که در روستا بود، مجموعه‌ای تاریخی درباره دوره ناصرالدین شاه باشد.

ادامه از صفحه ۱۵—

تغییرات ایجاد شده در استادیوم برلین پاکستانی نهایای قدیمی، بازسازی و تنظیم طبقه دوم جایگاه تماشاچیان، بهسازی و مرمت سازه نگه‌دارنده طبقه اول جایگاه، پایین بردن سطح زمین استادیوم، طراحی و نصب سقفی جدید بالای سر سکوی تماشاگران با جدیدترین سیستم‌های روشنایی و آکوستیک، به روز کردن و تعویض تمام تجهیزات فنی و ورزشی موجود، ساخت اتاق‌های ویژه برای شخصیت‌ها، ایجاد مسیرهای دسترسی زیرزمینی، احداث بارکینگ زیرزمینی به ظرفیت ۶۳۰ خودرو و فضای آماده‌سازی بازیکنان شامل پیست دو میدانی اهداف کاملاً متفاوتی داشت.
حفاظت یک بنای تاریخی که برای نیازهای جدید مدرن شده است و تبدیل آن به یک زمین که منحصرآ برای بازی فوتبال آماده شده ولی مجموعه‌ای از فعالیت‌های متفاوت را در خود جای داده است از جمله این اهداف است.

سازه طبقه دوم جایگاه تماشاچیان قابل حفظ و بازسازی بود اما بخش‌هایی از طبقه اول جایگاه تعویض شد. سطح زمین چمن استادیوم نیز ۲/۵ متر پایین رفت. در همین زمان دو ردیف صندلی به صندلی‌های جایگاه اضافه شد. به این ترتیب فاصله زیادی که میان جایگاه تماشاگران و زمین بازی وجود داشت کمتر شد. برای نزدیک کردن تماشاگران به محل جدید زمین ده ردیف صندلی به ظرفیت ۱۵ هزار نفر به صندلی‌های استادیوم اضافه شد. در حال حاضر استادیوم برلین گنجایش ۷۵ هزار تماشاگر را داراست. محل ورود پیست مارتن به درون استادیوم در بازسازی باز نگه‌داشته شده است و کاماکان محور اصلی سایت که استادیوم را به‌برج ناقوس متصل کرده، حفظ شده است. برای باز نگه‌داشتن ورودی پیست مارتن و با توجه به شرایط خاص عملیات ساختمانی که می‌بایست در حین انجام بازی‌ها در ورزشگاه انجام می‌گرفت برای ساخت سقف سازه‌ای کنسولی و مشکل از اعضای طرفی فولادی سبک انتخاب گردید. برای اجرای این نوع سازه نیاز بود تا بیست ستون برای تحمل بار ناشی از وزن سقف کنسول شده در طبقه دوم جایگاه تماشاچیان بر پا شود. برای اینکه این ستون‌ها کمترین اختلال را در دید تماشاگران طبقه دوم ایجاد کند تا حد امکان تلاش شد تا مقطع ستون‌ها به شکل کاملاً منحنی طراحی شود به همین دلیل ستون‌ها به شکل استوانه توپر ساخته شد.

وقتی نمی‌دانید چه کار دارید می‌کنید و کاری که

می‌کنید بهترین است، این الهام است.

روبر برسون

جمعه گذشته، شبکه چهار به فاصله یک هفته از پخش فیلم «جیب‌بر»، فیلم دیگری از روبر برسون با نام «لانسلو دولاک» پخش کرد. در این فیلم ۸۵ دقیقه‌ای که محصول سال ۱۹۷۴ است، لوک سیمون، لورا دوک، کوند منیا، ولادیمیر آنتوتوک، هومبرت بالسان، چارلز بالسان، کریستین شومبرگ و پاتریک برنارد بازی می‌کنند. این فیلم پانزدهمین ساخته روبر برسون است که موفق به دریافت جایزه فیپرشی از جشنواره کن شد اگرچه برسون از دریافت جایزه خودداری کرد، چرا که اعتقاد داشت فیلمش شایسته دریافت نخل طلای جشنواره است. عصر امروز نیز فیلم «لانسلو دولاک» از شبکه

چهار پخش می‌شود.

خلاصه فیلم

پرسیوال و لانسلو دولاک دو شوالیه برتر انگلیس پس از ناکامی در به دست آوردن جام مقدس، به کشور خودشان برمی‌گردند. در آنجا بین لانسلو و گیتور، همسر آرتورشات رابطه عاشقانه‌ای در جریان است. موردرد یکی از نزدیکان آرتورشاه می‌خواهد با فاش کردن این رابطه برای شاه، لانسلو را از سر راه بردارد. لانسلو شبانه می‌گریزد و در یک مسابقه موردرد را شکست می‌دهد. پس از آن همه به دنبال لانسلو می‌گردند. لانسلو برمی‌گردد و ملکه را با خود می‌برد. آرتورشاه به توصیه برادرزاده خود، گوون به لانسلو پیغام می‌دهد که در صورت برگرداندن ملکه، به هیچ کدامشان کاری نخواهد داشت. لانسلو، ملکه را برمی‌گرداند و . . .

درباره کارگردان

روبر برسون در ۲۵ سپتامبر سال ۱۹۰۱ در فرانسه به دنیا آمد. او که به خاطر سینمای معناگرایش نیز مشهور بود و یک مسیحی اخلاقی‌گرا به شمار می‌رفت، پس از ساخت چند فیلم کوتاه، در سال ۱۹۴۳ اولین فیلمش با نام «فرشته‌های گاه» را به پیشنهادیک کشیش ساخت.

دومین فیلم او «خانم‌های جنگل بولونی» با استقبال مواجه شد و منتقدین با تحسین فیلم، خبر از تولد فیلمسازی صاحب سبک دادند. فیلمنامه این فیلم را ژان کوکتو نوشت. برسون پس از ساخت این دو فیلم، از بازیگران حرفه‌ای در فیلم‌هایش استفاده کرد و ترجیح داد که از بازیگران آماتورنی استفاده کند که خودش آنها را «مدل» می‌نامید.

در فیلم «خانم‌های جنگل بولونی» شخصیت‌ها از خلال دیالوگ‌های سرد، تنهایی درونی‌شان را آشکار می‌سازند.

دغدغه معنویت در فیلم بعدی برسون یعنی «خاطرات یک کشیش» آشکار شد. مشهورترین و به تعبیری بهترین فیلم برسون «یک محکوم به مرگ می‌گریزد» نام دارد.

او در سال ۱۹۵۹ فیلم «جیب‌بر» را براساس داستانی از داستایوفسکی ساخت. این فیلم نیز مثل بسیاری از آثار برسون با نامی از دست‌ها آغاز می‌شود. از دیگر فیلم‌های برسون می‌توان به «محاکمه ژاندارک»، «موش»، «ناگهان بالاتزار»، «چهارشب رویابین» و «پول» اشاره کرد. معمولاً بین ساخت فیلم‌های برسون چند سال فاصله وجود داشت که دلایل عدم سرمایه‌گذاری شرکت‌های فیلمسازی روی آثار دشوار این فیلمساز فرانسوی بود. به همین خاطر برسون در طول پنجاه سال تنها سیزده فیلم ساخت و پس از ساخت آخرین فیلمش در سال ۱۹۸۳،

گالری عکس

نگاهی به فیلم «لانسلو دولاک» ساخته روبر برسون، پخش شده از سینماچهار

شوالیه ناموجود

مجتبی پورمحسن



فیلمسازی را کنار گذاشت. برسون در سال ۱۹۹۹ در

پاریس درگذشت.

کینگ آرتور، داستان هزار باره

داستان آرتورشاه که در قرن پنجم میلادی اتفاق می‌افتد در طول قرن‌ها، به شیوه‌های مختلف روایت شده است. روبر برسون اما فیلمنامه لانسلو دولاک را بر اساس اثری که در قرن دوازدهم درباره آرتور شاه نوشته شده، ساخته است. گویا در داستان اصلی آرتورشاه، شخصیتی به نام لانسلو وجود ندارد. اما وقتی در طول هر سال، این داستان بارها و بارها در قالب نمایش به روی صحنه می‌رود، مطمئناً دستخوش تغییراتی نیز می‌شود. ایجاد تغییر در داستان‌های تاریخی، مهر تأییدی بر این واقعیت است که روایت‌های تاریخی بیش از هر چیز مبتنی بر تاولیل شخصی از وقایع است.

برسون در روایت سینمایی قصه آرتور شاه هم بیشتر به چیزهایی ورای روایت تاریخی تکیه می‌کند. برسون داستانی تاریخی را با شیوه مختص به خودش روایت می‌کند. حتی به نوعی می‌توان گفت که فیلمساز مشهور فرانسوی، زمان را از موضوع حذف می‌کند و داستان را به روایتی ورای زمان و مکان تبدیل می‌کند. در صحنه پایانی فیلم وقتی جسد سربازان و شوالیه‌ها با زره‌هایشان روی هم انباشته شده و صدای تکه پاره‌های آهن به نشانه تکان خوردن دست و پا به گوش می‌رسد، نگاه مستقل از زمان برسون به موضوع فیلم مشخص می‌شود. آن سربازان که به تکه پاره‌های آهن تبدیل

شده‌اند کمترین اراده‌ای از خود ندارند. آنها قربانی اراده‌ای بزرند که روحشان را تسخیر کرده است. اینچنین رویکردی، اثر برسون را به فیلمی معاصر تبدیل می‌سازد که در هر مکانی معناپذیر می‌شود. با این وجود او از المان‌های سینمای تاریخی استفاده می‌کند و محور داستان ظاهری فیلم را بر شاکله تراژدی‌های کلاسیک استوار می‌کند. خیر و شر در بستری از خیانت و خدعه رو به روی هم قرار می‌گیرند. اما روایت برسون، نیست انگارانه‌تر از تراژدی‌های مرسوم است. در پایان فیلم، موردرد، لانسلو و دیگر سربازان

قربانی می‌کند. با این تحلیل، نهایای بسته فیلم از پاهای توجیه‌پذیر است. در «لانسلو دولاک»، آدم‌ها در نهایای از پاهایشان روایت می‌شوند. صحنه طولانی مسابقه که لانسلو نیز در آن شرکت کرده، در نمایشی از پاهای اسب در حال دویدن، پاهای سواران و کلاهخود و زره شوالیه‌ها تصویر می‌شود. در واقع برسون، شوالیه‌ها را به زره‌ها و پاهایشان تقلیل می‌دهد. برسون، این تصاویر زیبا را مرمون پاسکوالینو دوستانیس، فیلمبردار آثار ویسکونتی بود که فیلمبردارای دو فیلم آخر برسون را بر عهده داشت. ترکیب رنگ‌های

قرمز و قهوه‌ای، ریتم مناسبی به فیلم داده است.

برسون در روایت فیلم از ارائه دلایل کنش‌ها اجتناب می‌کند. خست کارگردان در بیان دلایل رفتاری شخصیت‌ها، ابهام هنرمندانه‌ای را ایجاد می‌کند که داستان تراژدی لانسلو را به سوی فلسفه پوچ انگاری پیش می‌برد. نکته دیگر رویکرد برسون به مسئله عشق است. در ابتدا چنین به نظر می‌رسد که عشق افلاطونی لانسلو به ملکه سبب ساز فتنه‌ای شده است. در حالی که عشق لانسلو به ملکه، به ابزاری برای اجرای خدعه‌ای به نفع آرتورشاه منجر می‌شود. برسون در فیلم لانسلو روایتی عاشقانه از داستان آرتورشاه را به چالش می‌کشد. ملکه، لانسلو و موردرد همان‌قدر ابزار آرتور محسوب می‌شوند که عشق لانسلو و ملکه به یکدیگر و تنفر موردرد از لانسلو، وسیله‌ای برای بسط

قدرت آرتورشاه است. در فرآیند قدرت‌طلبی آرتورشاه، مفهوم وفاداری نیز زیر سوال می‌رود. چه موردردی که به نام وفاداری به شاه سعی دارد ماجرای عشقی می‌کند بلکه توجیه‌کننده هر راهکار نیرنگ‌آمیزی است که منافع صاحبان قدرت را تأمین کند. سربازان و شوالیه‌هایی که با وفاداری به صاحب قدرت برای قواش می‌جنگند قربانیان قدرت طلبی و جاه طلبی کسی می‌شوند که صاحب قدرت است. در فیلم روبر برسون، مصادیق خیر و شر در کنار یکدیگر قربانی شری بزرگتر هستند. در پایان مشخص می‌شود موردرد که در طول فیلم ماهیتی شرگونه دارد، خود قربانی قدرت طلبی آرتورشاه است. در صحنه نزاع پایانی هواداران آرتورشاه (که لانسلو هم در میانشان است) و موردرد، تیرها شلیک می‌شوند بی آنکه جهت مشخصی داشته باشند.

می‌کند که همه شخصیت‌های داستان به نام مفاهیم معنوی، واکنش‌هایی غیرانسانی نشان می‌دهند و صحنه‌های رقت‌باری را رقم می‌زنند. در فیلم «لانسلو دولاک» تلاش شخصیت‌ها برای تمرکز روی وجه انسانی‌شان از طریق کنار زدن نقاب خود و ادای چند جمله ناشدنی می‌شود. اما جبر قدرت آرتورشاه وادارشان می‌کند نقاب‌ها را پایین بکشند و به هویت مکانیکی‌شان در قالب تکه پاره‌های زره و کلاهخود بازگردند.

برسون در فیلم «لانسلو دولاک» به سبک خود وفادار می‌ماند و داستانی تاریخی را با رئالیسم شاعرانه فرانسوی روایت می‌کند. شاعرانگی روایت برسون، ساختاری رمانتیک ندارد. او با ایجاد تردید در واقعیت‌های نهفته در روابط انسانی، تاویلی فاقد قطعیت ارائه می‌کند. دعوت او به معنویت انسانی نیز ساختاری تخطایی ندارد. برسون چه در این فیلم و چه در فیلم‌های دیگرش از تماشاگر می‌خواهد تا به درونش بنگرد و ببیند به نام انسانیت چه کارها که نکرده است. در «لانسلو دولاک» دو داستان در کنار هم پیش می‌روند. یکی داستان آرتورشاه و عشق لانسلو به ملکه و دیگری ماجرای جام مقدس. اگرچه این دومی چندان برجسته نیست و فقط در ابتدای فیلم به آن اشاره می‌شود اما پیگیری این دو روایت موازی به تثبیت رویکرد برسون به معنویت کمک می‌کند.

داستان آرتورشاه بارها و بارها روایت شده و روایان هر بار کوشیده‌اند روایت متفاوتی داشته باشند. اما برسون در فیلم «لانسلو دولاک» داستان آرتورشاه را وسیله‌ای برای روایت آن چیزی قرار داده است که خودش می‌پسندد. روایتی هیچ انگارانه از زندگی مشترک انسان و قدرت که به فقدان غم انگیز معنویت می‌انجامد که شخصیت‌های فیلم تنها در لحظه مرگ –وقتی که به آسمان می‌نگرند– به آن نزدیک می‌شوند.

ساده‌دلان با محمد کاسبی

در این سریال محمد کاسبی نقش جلیل و حسین محبوب نقش سید خلیل را بر عهده دارند. این سریال در سی قسمت سی دقیقه‌ای برای پخش در ماه مبارک رمضان در گروه فیلم و سریال شبکه اول سیما تولید می‌شود.
سریال ساده‌دلان را محمدحسین لطیفی بر اساس فیلم‌نامه‌ای از علیرضا طالب‌زاده کارگردانی می‌کند و علاوه بر حسین محبوب و محمد کاسبی بازیگرانی چون ثریا قاسمی، باران کوثری، مهرانه مهین‌ترابی، حمید ابراهیمی، برزو ارجمند و مهران رجبی در این سریال حضور دارند. تصویربرداری سریال «ساده‌دلان» به تهیه‌کنندگی رضا جودی از ده هفته پیش آغاز شده و همچنان ادامه دارد. این سریال در گروه فیلم و سریال شبکه اول سیما تولید می‌شود.

سال سوم ■ شماره ۸۰۲ *شرق*

تازه‌ها

مستندسازی در سیما

رئیس مرکز مستندسازی سیما معتقد است: «مستندسازی عرصه گسترده‌ای در بعد محتوایی، شکل و ساختار است و در این عرصه باید خیلی تلاش کرد تا کارهایی فاخر تولید شود.» مجتبی ستوده‌نیا –رئیس مرکز مستندسازی سیما– در گفت‌وگو با



ایسنا، درباره شکل‌گیری این مرکز، اهداف، حیطه موضوعات، عوامل موثر در کیفیت برنامه‌های مستند، تعامل مرکز مستندسازی با شبکه‌های سیما، جذب پیشکوتان مستند در مرکز و نهایتاً اظهار نظر درباره بازداشت و توقیف نوار تصاویر مستندسازان ایرانی در کشور پاناما سخن گفت.

عوامل موثر

رئیس مرکز مستندسازی سیما، سوژه ناب، نوع پرداخت و زاویه دید به آن را در کیفیت یک برنامه مستند موثر خواند و اظهار کرد: البته مدیریت، نظارت و همچنین امکاناتی که در اختیار گروه قرار می‌گیرد و اقتضات آن موضوع در کیفیت مستند موثر است. وی دستیابی به سوژه به مصداق واقعی در یک برنامه مستند را بسیار مشکل دانست و افزود: در کشور ما همکاری با مستندساز بسیار محدود است. در حالی‌که در مواردی که همکاری دیگر نهاده‌ها با مستندساز خوب بوده، آثار خوبی تولید شده است. ستوده‌نیا با بیان این مطلب که مستندساز در ساخت برنامه‌های مستند اجتماعی، نیازمند همکاری جدی نیروی انتظامی، قوه قضائیه، بهزیستی، وزارت کشور، آموزش و پرورش و . . . است، ادامه داد: در عرصه ساخت مستند دفاع مقدس هم به همکاری سیاه، ارتش و . . . نیازمند هستیم. رئیس مرکز مستندسازی سیما تصریح کرد: بسیاری از کارها، در صورتی که می‌توانست در محد مناسب به پایان برسد، به‌خاطر همکاری نکردن برخی سازمان‌ها چند برابر مدت لازم زمان برده است. ستوده‌نیا همچنین در عرصه ساخت مستندهای بین‌المللی، خواستار همکاری وزارت امور خارجه با این مرکز شد.

تعامل مرکز مستندسازی

ستوده‌نیا با اشاره به تعامل مرکز مستندسازی با شبکه‌های مختلف اظهار کرد: طی جلسات مشترک مرکز با شبکه‌ها، ما هم در جریان دغدغه‌ها و موضوعات در دستور کار سیما قرار گرفته و به تناسب وارد کار تولید می‌شویم. همچنین پیشنهاد دوستان ما در شبکه‌های مختلف در چارچوب ورودی‌های کاری ما قرار می‌گیرد. رئیس مرکز مستندسازی سیما، با بیان این مطلب که کلان‌ایده‌ها، سوژه‌ها و دغدغه‌ها می‌ما به تصویب معاونت سیما می‌رسد گفت: معمولاً مخاطبان شبکه‌ها با مأموریت شبکه‌ها اتفاق داده می‌شوند. مثلاً مستندهای مربوط به مخاطب جوان بیشتر از شبکه سوم سیما، مستند مربوط به مخاطب فرهیخته، بیشتر از شبکه چهار و مستند اجتماعی، فرهنگی معمولاً از شبکه دوم سیما پخش می‌شود. ستوده‌نیا در پاسخ به این‌که همه تولیدات مرکز از تلویزیون پخش شده است به این اظهار نظر کرد: به‌طور کلی همه برنامه‌هایی که در مرکز ساخته شده از تلویزیون پخش شده و به‌ندرت پیش آمده که پخش نشود. وی افزود: شبکه جام‌جم و شبکه‌های برون‌مرزی هم تعدادی از برنامه‌های ما که متناسب با مخاطب آنها هستند را پخش می‌کنند.

ساخت مستند برای خارج از کشور

رئیس مرکز مستندسازی سیما در خصوص ساخت مستند برای پخش در خارج از کشور، با بیان اینکه در درجه اول تولیدات ما در راستای پاسخگویی به نیازهای سیما است، اظهار کرد: در برخی از مواقع نیازهای معاونت سیما و نیاز‌ها شبکه‌های برون مرزی تلاقی پیدا می‌کند و می‌تواند پاسخگویی نیاز مخاطب خارجی و تصحیح‌کننده چهره ترسیم شده از کشور باشد. وی ترفیقات کشور در زمینه علمی و پزشکی، توانمند در زمینه سلول‌های بنیادی، انرژی هسته‌ای و برخی موضوعات اجتماعی و اقتصادی را از مواردی برشمرد که می‌تواند در شبکه‌های جام‌جم و برون مرزی مخاطب داشته باشد.

رقابت با مستند خارجی

ستوده‌نیا در خصوص رقابت مستندسازی ایرانی با مستندای خارجی به ایسنا اظهار کرد: ابداً باید غمز و اراده و تصمیم در مستندسازی به‌وجود بیاید و پس از آن الزامات سخت‌افزاری آن فراهم شود و نهادهای تخصصی دهنده‌پروچه الزامات این کار را درک کنند. وی با اعتقاد به این‌که ما در زمینه تولید آثار از مستند در هر دو زمینه (وجود غمز و اراده و امکانات) نقص داریم گفت: متأسفانه در زمینه کار‌های مستند، آثار فاخر ملی کمتر تولید شده است و این مشکل فقط در کمبود امکانات و هزینه نیست.

تهدات گروه‌های مرکز مستندسازی

رئیس مرکز مستندسازی، گروه‌های علمی، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، اجتماعی، اقتصادی و بین‌المللی را از بخش‌های فعال این مرکز برشمرد. وی با بیان این‌که مرکز مستندسازی هنوز شرایط تأسیسی خود را طی می‌کند اظهار کرد: تعهدات تولید ما متناسب با بودجه‌ای است که در اختیار ما قرار می‌گیرد و در حال حاضر برای همه گروه‌ها وظایفی مشخص شده است. ستوده‌نیا به ایسنا تصریح کرد: البته با تمام تعهدات پیش‌بینی شده اگر ایده و طرح جدیدی پیش بیاید مورد توجه قرار می‌گیرد.
شکل‌گیری مرکز مستندسازی و اهداف آن
مجتبی ستوده‌نیا همچنین در گفت‌وگو با خبرنگار سرویس تلویزیون ایسنا با اشاره به این‌که طی سال‌های گذشته مستندهای خارجی زیادی با موضوعات خاص از تلویزیون می‌شد خاطرنشان کرد: تا اواخر سال ۱۳۸۲ سهم کم برنامه‌های مستند داخلی مورد توجه قرار گرفت و تصمیم گرفته شد که مرکزی برای تولید برنامه‌های مستند در تلویزیون تشکیل شود. وی اهداف مرکز مستندسازی را در دو بعد ساختاری و محتوای قابل بررسی دانست و افزود: به‌لحاظ ساختار، معمولاً برنامه‌های مستند، سهم مهم و جدی در شبکه‌های تلویزیون و رسانه‌های بصری دارند. رئیس مرکز مستندسازی، اهداف محتوایی برنامه‌های مرکز مستندسازی را در راستای پاسخگویی به نیازهای جامعه دانست و ادامه داد: شاید قبل از تأسیس این مرکز، مستندسازی طیف گسترده‌ای از موضوعات را در بر نمی‌گرفت اما اکنون به این مسئله توجه می‌شود. ستوده‌نیا با اشاره به این‌که ما تاریخ ده چند ساله پرفراز و نشیبی داشته‌ایم و انقلاب بزرگ و دفاع مقدس هر یک نقطه عطفی در این تاریخ بوده‌اند.